

آثار روحی و روانی ایمان در قرآن*

عباس الهی**

چکیده

آثار روح و روانی ایمان از محوری‌ترین، مهم‌ترین و کاربردی‌ترین مباحث قرآنی، حدیثی و روانشناسی است که در نوشتار حاضر مورد پژوهش قرار گرفته است. نویسنده نخست به پدید آمدن برخی از مشکلات روحی و روانی در فرایند زندگی انسان‌ها اشاره کرده و راه برون رفت از این گرفتاری‌ها را ایمان معرفی کرده است. نیز به برخی از آثار فردی ایمان همچون رستگاری، طمأنینه و آرامش، توکل و اعتماد بر خدا، روشن‌بینی، مغفرت الهی و برخی آثار اجتماعی آن از قبیل سلامت اجتماعی، مقابله با فساد و انحراف و یکپارچگی اجتماع اشاره کرده است.

واژگان کلیدی: قرآن، ایمان، روان، روح، آثار فردی، آثار اجتماعی.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۱۳ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۳/۲۲

** عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه abbas_elahi48@yahoo.com

مقدمه

انسان موجودی پیچیده، عجیب و ناشناخته است. در دنیای کنونی مشکلات اصلی فرا روی این آفریده الهی مربوط به روح و روان اوست و هر از چندگاهی این مشکلات در زندگیش بروز و ظهور می‌یابد و وی از حل آنها عاجز و درمانده است. به نظر می‌رسد مطمئن‌ترین راه رهایی از این مشکلات روی آوردن به اعتقادات، باورهای دینی و ایمان به خداست.

در این نوشتار تلاش شده تا آثار ایمان از دیدگاه آیات، روایات و روانشناسی مورد بحث و بررسی قرار گیرد تا جوامع بشری با عملی نمودن این آثار به سعادت نایل آیند.

الف) مفهوم شناسی

۱. مفهوم‌شناسی ایمان

در منابع لغوی برای واژه «ایمان» یک معنای ریشه‌ای و مصدری از ثلاثی مجرد و یک معنای اشتقاقی از باب افعال (ثلاثی مزید) بیان شده است. اصل این واژه از ماده و مصدر «أمن» بوده و به معنای امنیت، آرامش، اطمینان و از بین رفتن بیم و هراس و... آمده است. واژه «ایمان» که مصدر ثلاثی مزید از باب افعال است، و در لغت به معنای گوناگونی چون مطلق تصدیق، عقیده محکم، ضد کفر و... آمده است. خلیل در العین می‌نویسد: «أمن به معنای ضد ترس است و ایمان یعنی تصدیق کننده که در گفتار خداوند هم به همین معنا آمده است: تو تصدیق کننده ما نیستی» (فراهیدی، العین، ۱۴۱۴ق: ۱۰۸/۱).

راغب در مفردات نوشته است: «أمن در اصل به معنای آرامش نفس و از بین رفتن بیم و هراس است و ایمان به معنای پذیرفتن و گردن نهادن نفس به حق می‌باشد» (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ۱۳۴۰: ۲۱).

برای ایمان تعاریف اصطلاحی گوناگونی ارائه شده است. برخی ایمان را تصدیق قلبی و برخی دیگر آن را اعتقاد باطنی، اقرار و التزام به مقتضای آن دانسته‌اند.

فخر رازی می‌نویسد: «آنچه ما بدان معتقدیم آن است که ایمان، تصدیق با قلب است، نه تصدیق زبانی یا عملی» (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰ق: ۲۲۷/۲).

علامه طباطبایی رحمته الله می‌نگارد: «ایمان اعتقاد باطنی است، به صورتی که آثار آن اعتقاد در اعمال ظاهری و بدنی (جوارحی) نیز ظاهر شود» (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۳۱۴/۱۶). ایشان همچنین می‌نویسد: «ایمان به معنای اقرار و تصدیق به چیزی و التزام به لوازم آن است... پس صرف اعتقاد، ایمان نیست، مگر آنکه به لوازم آن چیزی که بدان معتقد شده‌ایم، ملتزم شویم و آثار آن چیز را بپذیریم (همان، ۷، ۵).

۲. مفهوم‌شناسی روح

برای روح نیز معانی گوناگونی ذکر شده است. برخی آن را همان نفس (حقیقت هر چیز) می‌دانند و برخی دیگر آن را به معنای چیزی که موجب تحرک، زندگی و وسیله جلب منافع و دفع ضررهاست، معرفی نموده‌اند. خلیل در العین می‌نویسد: «روح همان نفس است که بدن به وسیله آن زنده است» (فراهیدی، العین، ۱۴۱۴: ۲۹۱/۳). راغب در مفردات نگاشته است: «رُوح و رَوح در اصل به یک معنا و آن چیزی است که موجب حیات، زندگی و تحرک است و به واسطه آن منافع جلب و ضررها دفع می‌شود» (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ۱۳۴۰: ۳۶۹). از دیدگاه حکماء و فلاسفه روح به چیزی گفته می‌شود که منشأ حیات یا منشأ عقل و حیات است و غالباً با نفس ناطقه مرادف به کار می‌رود (ر.ک: مصاحب، دائرة المعارف فارسی، ۱۳۸۰: ۱/۱۱۵). از دیدگاه مفسران نیز بر مبدأ، منشأ و سبب حیات اطلاق می‌شود که موجود زنده به وسیله آن قادر بر حرکت ارادی می‌شود (ر.ک: طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۹۵-۱۱۳؛ فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۲۰ و ۳۹۲).

ب) آثار ایمان

از آنجایی که انسان در زندگی خود با مشکلات و گرفتاری‌های زیادی روبه‌روست، بسیاری از روانشناسان به این نتیجه رسیده‌اند که تنها روزنه‌ای که می‌تواند آرام و ناراحتی‌های او را کاهش و تسکین دهد، ایمان به خدا و اعتقاد به یک مبدأ و قدرت مافوق انسانیت است (ر.ک: صانعی، آرامش روانی و مذهبی، ۱۳۵۰: ۶). برخی از انواع آثار ایمان بدین قرار است:

۱. سکینه و آرامش

یکی از نیازهای اساسی بشر نیاز به احساس امنیت یعنی احساس آزادی و آرامش نسبی از خطر است. این احساس وضع خوشایندی را ایجاد می‌کند و فرد در آن دارای آرامش جسمی و روحی است (شاملو، سعید، بهداشت روانی، ۱۳۷۸: ۹۱) و جز در پرتو ایمان به خدا حاصل نمی‌شود؛ به همین روی می‌توان ادعا کرد که از برجسته‌ترین و مهم‌ترین آثار ایمان به خدا احساس امنیت، آرامش و سکینه است که زیربنای بهداشت روحی و روانی نیز هست؛ زیرا بشر در کشاکش رنج‌ها و بلایای زندگی نیاز به تکیه‌گاهی دارد که بدان پناه ببرد و خود را از آشفته‌گی‌ها و افسردگی‌ها دور سازد و به آرامش برسد. این پناهگاه جز خدا چیز یا کسی دیگری نمی‌تواند باشد؛ چنانکه قرآن کریم فرموده است: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (رعد/۲۸)؛ «(همان) کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان با یاد خدا آرام می‌گیرد؛ آگاه باشید، که تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد!».

سید قطب در این باره می‌نویسد: «یاد خدا و ذکر او آدمی را از طوفان‌های روحی دور نگه می‌دارد؛ زیرا ایمان در واقع اتصال موجودی ضعیف به اصل وجود و در پی آن به تمام موجودات است» (سید قطب، تفسیر فی الظلال قرآن، ۱۴۱۲: ۳۹۶۶/۶).

قرآن برای بیان این نکته که ایمان مایه آرامش و به تعبیر برخی از روایات، نفس آرامش (سکینه) است، از تعبیرهای مختلفی استفاده کرده است:

— ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ﴾ (یونس/۶۲-۶۳)؛ «آگاه باشید که دوستان خدا نه هیچ ترسی بر آنان است، و نه آنان اندوهگین می‌شوند؛ (همان) کسانی که ایمان آوردند و همواره خودنگه‌داری می‌کردند».

— ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (مائده/۶۹)؛ «کسانی (از آنان) که به خدا و روز بازپسین ایمان آوردند و [کار] شایسته انجام دادند، پس نه هیچ ترسی بر آنان است و نه آنان اندوهگین می‌شوند».

— ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا...﴾ (فتح/۴)؛ «او کسی است که آرامش را در دل‌های مؤمنان فرو فرستاد، تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایند...».

آری سکینه و ایمان، وقار و آرامش، نه ابزاری برای فزونی ایمان، بلکه نفس افزایش ایمان است. محصول ایمان، تسلط بر نفس است که خود از ارکان فضایل اخلاقی است (ر.ک: مطهری، مرتضی، بیست گفتار، ۱۳۷۰: ۲۱۷؛ به نقل از جوادی، نظریه ایمان در عرصه کلام و قرآن، ۱۳۷۶: ۲۵۱).

ایمان در همه حوزه‌های زندگی انسان حضوری جدی، نقشی مهم و شگرف دارد. در حوزه باورها و اعتقادات قلبی، در روح، روان و جسم انسان‌ها تأثیر مستقیم دارد. بررسی‌ها و پژوهش‌های میدانی روانشناسان و دیگر متخصصان حوزه علوم پزشکی از تأثیر شگرف ایمان در بازسازی شخصیت انسان‌های مبتلا به بیماری‌های روانی و حتی بیماری‌های جسمی چون سرطان حکایت دارد. ایمان به خدا آرامش را در فرد افزایش می‌دهد و در جراحی‌ها به شخص کمک می‌کند تا زودتر بهبود یابد.

قرآن کریم در جاهای متعددی به آرامش مؤمنان و اولیای الهی اشاره می‌کند ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَعَةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾ (فصلت/۳۰)؛ «در حقیقت، کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست.» سپس پایداری کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند (و می‌گویند) که: «نترسید و اندوهگین نباشید؛ و مژده باد بر شما، به بهشتی که (بدان) وعده داده می‌شدید!».

علامه طباطبایی رحمته الله ذیل این آیه می‌نویسد: آیه شریفه از آینده‌ای که در انتظار مؤمنان است و اینکه ملائکه به استقبال آنان می‌آیند، خبر می‌دهد و آن تقویت دل‌ها و دلگرمی آنان و بشارت و کرامت است. فرشتگان مؤمنان و اولیای الهی را از ترس و اندوه ایمنی می‌دهند. ترس همشیه از چیزهای ناپسندی است که احتمال وقوعش داده می‌شود. این ترس در مورد مؤمنان یا عذابی است که از آن می‌ترسند و یا محرومیت از بهشت است که از آن بیم دارند. ۱۲۵
حزن و اندوه نیز همواره از مکروهاتی است که واقع شده و شرّی که پدید آمده، مانند گناهانی که از مؤمنان سر زده و از آثارش غمگین می‌شوند و یا خیراتی که به خاطر سهل‌انگاری از آنها فوت شده و از آن اندوهگین می‌گردند؛ لذا فرشتگان آنها را دل‌داری می‌دهند که از اینگونه خوف‌ها و اندوه‌ها در امانند؛ زیرا گناهانشان آمرزیده شده و عذاب از

آنان برداشته شده است (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۱۷/۳۹۰).

قرآن همچنین می‌فرماید: ﴿هُوَ إِلَهِي أَنزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ﴾ (فتح/۴)؛ «او کسی است که آرامش را در دل‌های مؤمنان فرو فرستاد، تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایند».

فخر رازی ذیل این آیه سه وجه برای معنای سکینه ذکر می‌کند: سکون، آرامش، وقار و یقین. وی سپس می‌نویسد: معنای دوم و سوم نیز به سکون و آرامش بر می‌گردد (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۶۷/۲۸).

۲. رستگاری

انسان‌ها نوعاً خواستار فوز و رستگاریند و برای نیل به این مهم، تلاش زیادی می‌کنند و به تبع برای رسیدن به فلاح و رستگاری به ابزارها، وسایل و سرمایه‌هایی نیازمندند. از طرف دیگر، انسان در زندگی‌اش از سرمایه‌های زیادی مانند سلامت، امنیت، ثروت و... برخوردار است و یکی از بهترین، والاترین و سرآمدترین این سرمایه‌ها، ایمان به خداوند است. تولستوی، متفکر و نویسنده مشهور معاصر، می‌گوید: «ایمان آن چیزی است که آدمی با آن زندگی می‌کند» (مطهری، بیست گفتار، ۱۳۷۰: ۱۸۷). شهید مطهری در تبیین این کلام می‌نویسد: «مراد او این است که ایمان، بهترین سرمایه است. اگر کسی آن را از کف دهد، در واقع، مهم‌ترین سرمایه زندگی را از دست داده است» (همان).

قرآن کریم نیز ایمان را یکی از سرمایه‌ها دانسته است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (صف/۱۰-۱۱)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آیا شما را به داد و ستدی راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک نجات دهد؟! به خدا و فرستاده‌اش ایمان آورید و با اموال و جان‌هایتان در راه خدا جهاد کنید؛ این برای شما بهتر است، اگر بدانید».

خلاصه، تمام فواید و چکیده‌های همه ثمرات ایمان در این آیه جمع شده است و می‌توان

گفت بهترین تعبیری که در وصف ایمان وجود دارد، همین سرمایه رستگاری است (ر.ک: جواد، نظریه ایمان در عرصه کلام و قرآن، ۱۳۷۶: ۲۴۸). به کارگیری این سرمایه نیازمند مهارت است و در صورت عدم استفاده صحیح چه بسا ضررها و ضایعاتی را در پی داشته باشد. سید قطب در این باره می‌نویسد: ایمان در زندگی انسان اصل است شاخه‌ها و ثمراتی دارد. عمل صالح حاصل طبیعی ایمان است و قرآن کریم هر عملی را که به اصل ایمان مستند نباشد، هدر رفته و ضایع شده قلمداد می‌کند و ایمانی که بدون ثمر باشد، مقطوع و همچون درخت پژمرده است (قطب، تفسیر فی ظلال القرآن، ۱۴۱۲: ۳۹۶۶/۶-۳۹۶۷). مرحوم شهید مطهری رحمته الله در این باره می‌نگارد: درست است که ایمان بزرگ‌ترین سرمایه است، اما برای استفاده از این سرمایه مانند همه سرمایه‌های دیگر علم و مهارت لازم است. گاهی ممکن است آن استفاده کاملی که باید بشود نشود، یا خود انسان نفهمیده سوء استفاده کند، یا یک کس دیگر از حس دینی بشر سوء استفاده کند (مطهری، بیست گفتار، ۱۳۷۰: ۱۸۷).

همچنین آیه مورد بحث ایمان مؤمنان را تجارتی عظیم، سودی سرشار و باعث نجات از عذاب دردناک، مغفرت و آمرزش معرفی می‌نماید. علامه طباطبایی رحمته الله ذیل آیه می‌نویسد: در این آیه شریفه، ایمان و جهاد، تجارب به حساب آمده که سرمایه‌اش جان آدمی و ربح آن نجات از عذاب دردناک است و خداوند متعال با نکره آوردن کلمه «تجارة» آن را بزرگ داشته است؛ یعنی تجارتی مهم، عظیم و جلیل‌القدر و در بیان ربح آن روشن نکرد که چه عذابی است، بلکه فرمود عذابی تا بفهماند آن قدر بزرگ است که در بیان نمی‌گنجد و مصداق این نجات که وعده‌اش را دارد، همان مغفرت و جنت است (طباطبایی، المیزان، بی‌تا، ۴۳۷، ۱۹).

یکی از آثار ایمان روشن بینی، شناخت صحیح حق از باطل، نگرش واقع‌بینانه به موضوعات، تشخیص و تمییز حق از باطل است. قرآن به این امر چنین اشاره می‌نماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا...﴾ (انفال/۲۹)؛ «ای کسانی که ایمان

آورده‌اید! اگر خودتان را از (مخالفت فرمان) خدا حفظ کنید، برای شما جداکننده‌ای حق از باطل [قرار می‌دهد...].

طبق این آیه بین ایمان و روشن‌بینی و بصیرت، ارتباطی خاص برقرار است. ایمان نوری در قلب آدمی ایجاد می‌کند تا وی بتواند به وسیله آن از غلتیدن در دام خطاها رهایی یافته، به سعادت و خوشبختی نایل گردد. این مطلب را به صورت‌های گوناگون در قرآن کریم می‌توان جستجو کرد: ﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّاتُ لَهُمْ أَعْمَالُهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ﴾ (نمل/۴)؛ «در واقع، کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، کردار (بد)شان را برای آنان آراستیم و آنان سرگردان می‌شوند».

این آیه بیانگر این نکته است که اثر بی‌ایمانی به آخرت آن است که باطل در دیدگاه شخص بی‌ایمان، حق جلوه می‌کند و وی راه درست زندگی را پیدا نکرده و در تشخیص هدایت از ضلالت در می‌ماند و در نتیجه، گرفتار حیرت و سرگردانی می‌شود و همچنان فکر می‌کند که راه هدایت را در پیش گرفته است. در حالی که همچون انسان‌های بی‌هدف در تحیر بیشتری فرو می‌رود (ر.ک: طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۵۶/۹؛ قرشی، تفسیر احسن الحديث، ۱۳۷۷: ۱۱۹/۴؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۴۰/۷).

در روایات اسلامی نیز به اثر ایمان و تقوا که بصیرت و درک حقایق به وسیله نور خداست، اشاره شده است. در برخی از روایات به آفرینش مؤمن از نور الهی و دیدن امور مختلف زندگی از راه نور خداوند تصریح شده است: «عن أبي الحسن الرضا عليه السلام قال: لي يا سليمان إن الله تبارك وتعالى خلق المؤمن من نوره... فأنه ينظر بنور الله الذي خلق منه» (برقی، المحاسن، ۱۳۷۱: ۱۳۱، ۱).

۴. توکل

۱۲۸

انسان در زندگی فردی و اجتماعی با مشکلات و گرفتاری‌های گوناگونی روبه‌روست. از یک سو، هر لحظه احتمال می‌رود که در حوادث طبیعی مانند سیل، زلزله و... گرفتار آید و از دیگر سو، ممکن است با حوادثی همچون جنگ، تجاوز، ستم، خیانت و بی‌وفایی افراد دور و برش، دست و پنجه نرم کند. همچنین در زندگی فردی با احتمال بروز بیماری‌ها، از دست

دادن سرمایه کار و عدم موفقیت روبه‌روست. اگر نتواند این مشکلات را حل کند، به اضطراب و ناامنی دچار می‌شود و کم‌کم زمینه‌های بروز اختلاف روانی در او فراهم می‌گردد، در حالی که یکی از نیازهای اساسی انسان که ارضای آن نقش مهمی در ایجاد بهداشت روانی دارد، احساس ایمنی است. افرادی که ایمنی ندارند، متعادل نیستند و با پرخاشگری یا اضطراب واکنش نشان می‌دهند و در دنیای ذهن خود به طور مدام در حال دفع خطرهای احتمالی هستند (ر.ک: شاملو، بهداشت روانی، ۱۳۷۸: ۹۲).

روانشناسی انسان‌گرا در نشانه‌های احساس نا ایمنی بدین صورت بیان شده است:

۱. احساس طرد شدن و مورد عشق و علاقه دیگران نبودن؛

۲. احساس تنهایی؛

۳. احساس دائمی در معرض خطر بودن؛

۴. احساس عدم اعتماد؛

۵. احساس تنش، تنیدگی، فشار و کشمکش درونی توأم با عوارضی از قبیل حالاتی مانند عصبی و بی‌قرار بودن، خستگی، بی‌حوصلگی، ناراحتی و حساسیت معده و سایر اعضای بدن، کابوس، بی‌تصمیمی، بی‌ارادگی و تغییر دائمی خلق و خو و میل دائمی شدید برای یافتن امنیت به صورت هدف‌های مکرر (همان).

کسی که در زندگی به مشکلات فراوان و احساس نا امنی شدید دچار شود، برای برون رفت از آنها و رسیدن به آرامش به راه‌حل‌های اساسی نیاز دارد. یکی از بهترین راه‌حل‌ها توکل بر خداوند است. کسی که بر خدا توکل می‌کند، در واقع، رابطه‌اش را با او محکم کرده است و به دستگیره محکمی چنگ زده است که نتیجه آن اطمینان نفس، سکون و آرامش است؛ چنانکه توکل از دیدگاه لغت‌شناسان به معنای اعتماد و اطمینان به غیر و واگذاری امور به دیگری آمده است. راغب اصفهانی در مفردات می‌نگارد: «توکل یعنی اینکه بر غیر خودت ۱۲۹ اعتماد کنی و دیگری را از طرف خودت جانشین قرار دهی. در جهان طبیعت پر از اسباب و مسببات انسان‌ها با مشکلات، گرفتاری‌ها، دردها و رنج‌ها و غم‌های فراوانی روبه‌رو هستند. منظور از توکل آن است که انسان مؤمن متوکل هنگام مواجهه با این مشکلات از آرامش روحی و اطمینان خاصی برخوردار است؛ زیرا وی بر خدا توکل می‌کند، او را تنها سبب و

نیروی مستقل، شکست‌ناپذیر و فوق هر سبب دیگری می‌داند و برای اسباب دیگر استقلال قائل نیست؛ در نتیجه، از اراده قوی برخوردار خواهد شد، و اراده‌های دیگر، شکست‌ها و ناملایمات بر او غالب نخواهد شد».

چنانچه برخی از آیات قرآن به این معنا اشاره دارند: ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ...﴾ (طلاق/۳)؛ «و هر کس بر خدا توکل کند، پس او برایش کافی است؛ در حقیقت، خدا کارش را (به انجام) می‌رساند...».

کسی که خدا را درست بشناسد و یقین داشته باشد که جهان در قبضه قدرت اوست و اراده و تصمیم نهایی مخصوص آفریدگار هستی است و سود، زیان، بخشش و منع به دست اوست، هیچ پناهگاهی غیر از او انتخاب نمی‌کند؛ زیرا جز او پناهگاهی محکم، مستحکم و مطمئن نمی‌داند. در برخی روایات به این معنا اشاره شده است: پیامبر ﷺ از جبرئیل پرسید: توکل بر خداوند چیست؟ جبرئیل پاسخ داد: فهمیدن این مطلب که مخلوقات نه می‌توانند به انسان ضرری بزنند یا نفعی برسانند، نه می‌توانند به انسان چیزی اعطا کنند و نه می‌توانند خیری را از انسان منع نمایند؛ از این رو، انسان از خلق و مردم مأیوس می‌گردد و اگر بنده این چنین شد، برای غیر خدا کار نمی‌کند و به غیر از خداوند امید ندارد و از غیر او نمی‌ترسد و به احدی غیر از خداوند طمع نمی‌کند. این است معنای توکل (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۴: ۱۳۸/۶۸).

در حدیث دیگری می‌خوانیم که از امام معصوم پرسیدند: توکل چیست؟ فرمودند: «لا تخاف سواه» توکل آن است که از غیر خدا نترسی (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۴: ۱۴۳/۶۸). بر اساس این دو روایت، انسانی که بر خدا توکل دارد، هرگز احساس ضعف، یأس و نومیدی نمی‌کند و در برابر مشکلات طاقت‌فرسا مقاومت می‌کند، از احدی هراس به دل راه نمی‌دهد. شخص متوکل گرچه به وجود اسباب و مسببات در جهان باور دارد و ممکن است آسیب یا آسیب‌هایی از جانب آنها به او برسد، در عین حال مسبب اصلی را خدا می‌داند و هنگام وقوع حوادث، احساس آرامش می‌کند. خداوند از قول حضرت یعقوب علیّه السلام می‌فرماید: ﴿وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنْ

الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿یوسف/۶۷﴾؛ «و گفت: ای پسران من! از یک در وارد نشوید و از درهای مختلف وارد شوید؛ و هیچ چیزی را که از طرف خدا (حتمی شده) است از شما دفع نمی‌کنم. حکم، جز برای خدا نیست؛ تنها بر او توکل کرده‌ام؛ و همه‌ی توکل کنندگان، پس باید تنها بر او توکل کنند».

همچنین از قول حضرت ابراهیم می‌فرماید: ﴿وَمَا لَنَا أَلاَّ نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلِنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا آذَيْتُمُونَا﴾ (ابراهیم/۱۲)؛ «و چرا ما بر خدا توکل نکنیم، در حالی که ما را به راه‌هایمان رهبری کرده است؟! و قطعاً بر آزارهایتان بر ما، شکیبایی خواهیم کرد».

۵. مغفرت الهی

گرچه مؤمنان در اجرای احکام الهی و اطاعت از دستورات خداوند متعال و در جهت کسب آمرزش خداوند سبحان تلاش فراوانی دارند، با موانع زیادی در این مسیر روبه‌رو می‌گردند. یکی از این موانع مهم، وسوسه‌های شیطان است که نتیجه آن غفلت از یاد خداوند و ارتکاب گناهان است. در مقابل امید به رحمت و غفران الهی نقطه روشنی را در دلشان ایجاد می‌کند؛ لذا در آیات زیادی به مؤمنان خطاکار در صورت توبه و بازگشت، وعده آمرزش داده شده است. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِهَا وَآمَنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (اعراف/۱۵۳)؛ «و کسانی که بدی‌ها را انجام دادند، آن‌گاه بعد از آن توبه نمودند و (عملاً) ایمان آوردند، قطعاً، پس از آن، پروردگارت بسیار آمرزنده‌ی مهرورز است».

و همچنین می‌فرماید: ﴿إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نَكَفَّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا﴾ (نساء/۳۱)؛ «اگر از گناهان بزرگی که از آن [ها] منع می‌شوید، دوری کنید، بدی‌هایتان را از شما می‌زداییم و شما را در جایگاه ارجمندی وارد می‌سازیم».

ج) آثار اجتماعی ایمان

در این بخش به آثار اجتماعی ایمان به اختصار می‌پردازیم:

۱. سلامت اجتماعی

از آنجا که انسان موجودی اجتماعی آفریده شده است، آرامش، آسایش و سلامت او در رشد و تعالی جامعه تأثیر بسزایی دارد و انسان مؤمن که متدین و پای‌بند به ارزش‌های دینی و الهی است، طبیعتاً در یک جامعه ایمانی و دینی که مردم آن نسبت به سرنوشت و موقعیت یکدیگر توجه و حساسیت ویژه‌ای دارند، مؤثر خواهد بود.

برخی از آیات و روایات به این اثرگذاری مؤمن بر جامعه و دیگر مؤمنان اشاره دارد. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...﴾ (توبه/۷۱)؛ «مردان مؤمن و زنان مؤمن، برخی از آنان یاوران (و دوستان) برخی [دیگر] هستند؛ به [کار] پسندیده فرمان می‌دهند و از [کار] ناپسند منع می‌کنند...».

و همچنین می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ...﴾ (نساء/۲۹)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموالتان را در میان خودتان به ناحق نخورید؛ مگر این که داد و ستدی با رضایت [طرفین] شما [انجام گرفته] باشد. و خودتان را نکشید...».

و نیز در روایات آمده است: «عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن المؤمن ليسكن إلى المؤمن كما يسكن الظمان إلى الماء البارد؛ مؤمن با مؤمن دیگر آرامش می‌یابد همانگونه که تشنه با آب سرد آرامش می‌یابد» (کلینی، اصول کافی، ۱۳۶۵: ۲/۲۴۷).

«عن جميل عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سمعته يقول: المؤمن خدّم بعضهم قلت: و كيف يكونوا خدماً بعضهم لبعض؟ قال: يفيد بعضهم بعضاً؛ مؤمنان خدمت‌گزار یکدیگرند. گفتم: چگونه خدمت‌گزار یکدیگرند؟ فرمود: برای هم سودمندند» (احسان‌بخش، آثار الصادقین علیه السلام، ۱۳۷۷: ۱/۳۱۳).

۲. مقابله با فساد و انحراف

انحراف اجتماعی به گونه‌ها و شکل‌های مختلف عملی یا بینشی در یک جامعه بروز می‌کند. مؤمن به حکم وجوب امر به معروف و نهی از منکر باید برای دفع هر دو گونه

انحراف اقدام کند؛ زیرا در برابر جامعه مسئول است و روز قیامت در دادگاه عدل الهی باید پاسخگو باشد.

یکی از مصادیق و موارد انحراف فکری، بروز بدعت‌ها در یک جامعه است. مطابق روایاتی که از معصومان علیهم‌السلام رسیده است، اگر عالمی با ایمان نسبت به بدعت‌ها آگاهی یابد، وظیفه دارد در برابر آنها واکنش نشان داده و به مبارزه برخیزد. در این باره از همه ائمه علیهم‌السلام چنین روایتی نقل شده است: «إِنَّا رَوَيْنَا عَنْ الصَّادِقِينَ علیهم‌السلام أَنَّهُمْ قَالُوا إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فَعَلَى الْعَالَمِ أَنْ يَظْهَرَ عِلْمُهُ، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ سَلَبَ نُورَ الْإِيمَانِ؛ هنگامی که بدعت‌ها در جامعه‌ای آشکار شود، وظیفه عالم آن است که علمش را آشکار کند و با بدعت مقابله نماید و اگر این کار را انجام ندهد، نور ایمان از او سلب می‌شود» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۴: ۲۵۳/۴۸).

۳. انسجام و یکپارچگی اقشار مختلف جامعه

بیشتر جامعه‌شناسان بر این باورند که انسان موجودی اجتماعی است و در درونش تمایل شدیدی به زندگی دسته جمعی نهفته است. پرسش این است که چه عامل یا عواملی باعث تحقق زندگی اجتماعی انسان می‌شود. برخی از اینان معتقدند عواملی چون زبان، نژاد، مرز مشترک زمینی و... باعث اجتماع و اتحاد انسان است، ولی از یک نکته غفلت ورزیدند که افراد مختلف یک جامعه از ایده‌ها، سلیق و خواسته‌های گوناگون برخوردارند. پس چگونه می‌توانند از اتحادی پایدار برخوردار باشند؟ گرچه از دیدگاه مکاتب بشری عوامل مذکور می‌تواند تا حدودی باعث اتحاد مردم یک جامعه شود، از نگاه قرآن کریم و روایات ایمان و عقیده، مستحکم‌ترین و اساسی‌ترین عامل وحدت است؛ چه قرآن کریم ایمان را محور اتحاد و انسجام اقشار مختلف مسلمانان و ضامن امنیت و سلامت آنان می‌داند و به مؤمنان چنین سفارش می‌کند: ﴿ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَإِهِ ظُلْمُوا بِهَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ﴾ (اعراف/۱۰۳)؛ «آن‌گاه، پس از آنان (= پیامبران)، موسی را با نشانه‌هایمان (= معجزاتمان) به سوی فرعون و اشراف او فرستادیم؛ ولی [به آن] (نشانه‌های معجزه‌آسا) ستم کردند؛ پس بنگر فرجام فسادگران چگونه بوده است!». ۱۳۳

و همچنین می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ...﴾ (حجرات/۱۰)؛ «مؤمنان فقط برادران یکدیگرند...».

نتیجه

کسی که خدا را باور دارد و او را بر همه چیز قادر و حکیم می‌داند (انعام/۱۸)، از آثار فردی چنین ایمانی برخوردار می‌گردد؛ آثاری از جمله اینکه به هیچ روی احساس ناامنی، اضطراب، نوسیدی و ضعف نمی‌کند و دچار ناهنجاری‌ها نمی‌شود و همیشه بر او توکل می‌کند؛ زیرا خداوند است که مهمات زندگی انسان را کفایت و او را از شر دشمنان حفظ می‌کند (نساء/۴۵).

همچنین باور و ایمان به خدا آثاری اجتماعی از قبیل آسایش و سلامت اجتماعی، مقابله با فساد و انحراف و... را به دنبال دارد که فرد و اجتماع، هر دو، از آنها برخوردار می‌شوند.

منابع

۱. احسان‌بخش، صادق (1377ش)، آثار الصادقین، قم، انتشارات دارالعلم، چاپ چهارم.
۲. آذربایجانی، مسعود (1376ش)، اولین همایش نقش دین در بهداشت روان، قم، دفتر نشر اسلامی.
۳. برقی، احمدین خالد (1371ق)، المحاسن، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم.
۴. بوالهری، جعفر (1378ش)، آیات قرآن در زمینه بهداشت روانی، تهران، انتشارات انستیتو روان پزشکی.
۵. تقی‌زاده، غلامرضا (1389ش)، شیوه‌های تأمین بهداشت روان از دیدگاه قرآن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
۶. جوادی، محسن (1376ش)، نظریه ایمان در عرصه کلام و قرآن، قم، امور اساتید و دروس معارف اسلامی.
۷. حسینی، ابوالقاسم (1379ش)، اصول بهداشت روانی، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ دوم.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد بی‌تا)، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت، دارالعلم - دمشق، الدارالشامیه.
۹. رضایی اصفهانی، محمد علی و جمعی از فضلاء حوزه و دانشگاه، ترجمه قرآن کریم، موسسه فرهنگی دارالذکر، 1383ش.
۱۰. سبحانی، جعفر (1384ش)، ایمان و آثار سازنده آن، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم.
۱۱. شاملو، سعید (1378ش)، بهداشت روانی، تهران، چاپ رشد، چاپ سیزدهم.
۱۲. صادقیان، احمد (1389ش)، قرآن و بهداشت روان، قم، زمزم هدایت.
۱۳. صانعی، صفدر (1350ش)، آرامش روانی و مذهب، مشهد، جعفری.
۱۴. صانعی، مهدی (1382ش)، بهداشت روان در اسلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین (1417ق)، المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ چهاردهم.
۱۶. فخررازی، ابو عبدالله محمد بن عمر بن حسین (1420ق)، مفاتیح الغیب، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ سوم.

۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، العین، قم، هجرت، چاپ دوم.
۱۸. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۷ش)، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، چاپ سوم.
۱۹. قطب، سید محمد (۱۴۱۲ق)، تفسیر فی ظلال القرآن، بیروت - القاهرة، دارالشروق، چاپ هفدهم.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
۲۱. گنجی، حمزه (۱۳۷۶ش)، بهداشت روانی، تهران، ارسباران.
۲۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۲۳. مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۰ش)، دائرة المعارف فارسی، تهران، امیرکبیر.
۲۴. مطهری، مرتضی (۱۳۷۰ش)، بیست گفتار، تهران، صدرا، چاپ پنجم.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان (۱۳۶۴ش)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. نهاد نمایندگی رهبری در علوم پزشکی تهران (۱۳۸۲ش)، مجموعه مقالات همایش علمی ۲ (اسلام و بهداشت و روان)، تهران، دفتر نشر معارف.